

## انتخابات ریاست جمهوری، نقطه تعیین سرنوشت بحران حکومتی؟

تقی روزبه

بانزدیک شدن، هرچه بیشتر تاریخ انتخابات ریاست جمهوری، مجادلات جناح‌ها هر دم گسترش می‌یابد. اما مسأله فقط مجادلات سیاسی نیست، بلکه به موازات آن، ریتیم یورش جناح حاکم نیز هر دم شتاب بیشتری بخود می‌گیرد. شتاب روی داده‌ها، تشدید وخامت بحران و منازعات، این سؤال را برای هر پی‌کاو فعل و انفعالات سیاسی کشور بوجود می‌آورد که فرایند روی داده‌ها به کدام سو روان است؟ آیا زمان انتخابات تبدیل به نقطه تعیین تکلیف بحرانی نخواهد شد که از چهارسال پیش بدین سو، خواب راحت را از چشمان سرگردگان نظام جمهوری اسلامی ربوده است؟

گرچه پاسخ قاطع دادن به این سؤال، با توجه به پیچیدگی تحولات اجتماعی، کار ساده‌ای نیست، اما حداقل می‌توان گفت که صرف‌نظر از میزان پیروزی و یا شکست (آن دلائل و شواهد متعددی وجود دارند که اثبات کننده وجود پروژه تبدیل انتخابات ریاست جمهوری به نقطه تعیین سرنوشت بحران چندین ساله است:

اکنون وجود دو دولت و دو دستگاه موازی به نقطه‌ای رسیده است که دیگر تحمل آن برای یک نظام مستقر غیرقابل تحمل می‌شود. صف آرائی قوای پنج‌گانه (مجلس، قوه قضائیه، قوه مجریه، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام) در برابر یک‌دیگر بصورت روزانه در آمده است. پاسخ بلافاصله خامنه‌ای به سخنان اخیر خاتمی، مفاد کوبنده سمرقاله کیهان به قلم حسین شریعتمداری-گماشته خامنه‌ای بر مؤسسه کیهان- علیه مجلس، که با سیاه خواندن کارنامه آن خواهان بیرون ریختن نمایندگان از مجلس گردید، گوشه‌ای از این صف‌آرایی را به نمایش می‌گذارد. ناگفته نماند که تصویب منع ورود نیروهای نظامی به «دانشگاه‌ها و بیوت مراجع تقلید» خشم شدیدی را در حمایت‌خواهان برانگیخته است. روزنامه «جمهوری اسلامی» - روزنامه‌ی وابسته به رهبر رژیم - آن را مصونیت بخشیدن به مراجع معزوم امام، مورد طعن و لعن قرار داده است. شعار ناامن بودن کشور و برقراری امنیت، به عنوان مقدمه و مستمسکی برای برقراری حالت فوق‌العاده صیقل داده می‌شود. قوه قضائیه، بیش از پیش خود را متولی و مجری برقراری امنیت و مقابله با «شرارت‌ها و مفاسد اجتماعی» می‌داند و با افراشتن طناب دار و شلاق زنی در ملأعام، و برپاکردن ستادهای عملیاتی، به برقراری زمینه ذهنی انقیاد و تمکین عمومی پرداخته است،  
 بقیه در صفحه ۲

## پلاتفرم "اصلاح طلبان حکومتی" در انتخابات ۸۰: نماد انحطاط کامل

رضا سپیدرودی

کشیدن کلیت این دستگاه از زیر ضرب، اشکال را متوجه «بخش کوچکی از قوه قضائیه که شاید نفرت تصمیم‌گیرنده‌ی آن‌ها از انگشتان دو دست نیز تجاوز نمی‌کند»، می‌سازد و اصلاً هم خود را بده‌کار نمی‌داند که توضیح دهد که این «بخش کوچک» اگر قدرت اصلی را در قوه قضائیه تشکیل نمی‌دهد و از حمایت قاطع خامنه‌ای هم برخوردار نیست، چگونه توانسته است این موج پردامنه بگیرد و بیند راه اندازه؟

از جمله شعارهای اصلاح‌طلبان در آستانه انتخابات دوره ششم مجلس، لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان بود، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ۸۰، محمدرضاخاتمی نه تنها از لغو این نظارت که مبین اسارت جمهوریت نظام در برابر اسلامیت آن و نماد قدرت صوری جمهوریت در برابر قدرت واقعی نهادهای غیرقانونی و غیرانتخابی و مبین اسلامیت است، کمترین سخنی نمی‌گوید که آشکارا بر آن مهر تایید می‌کوبد و می‌گوید: «این نقش تا آن‌جا که قانونی است مورد تایید ما می‌باشد یعنی شورای نگهبان، طبق قانون اساسی باید صلاحیت‌ها را تایید کند». وی نقش این شورا را در رابطه با مجلس هم مورد تایید قرار می‌دهد و می‌گوید: «در تاثیر روی کار مجلس، باز هم عمل قانونی شورای نگهبان مورد تایید می‌باشد».

بقیه در صفحه ۲

## اخبار مبارزات کارگران و

### زحمت‌کشان

در صفحات ۳ و ۴

### گزارش برگزاری تظاهرات ایرانیان در

استکهلم

در صفحه ۴

### حرکت اعتراضی ایرانیان در مرکز شهر

گوتنبرگ

در صفحه ۴

نشست سراسری روز جمعه ۲۸ بهمن ۷۹ مسئولان جبهه مشارکت و نظراتی که پس از این جلسه از سوی سه تن از رهبران این جبهه، یعنی نعیمی‌پور، میردامادی و بویژه محمدرضاخاتمی عنوان شد، بهترین و روشن‌ترین مصداق بن‌بست و استیصال جریان اصلاح طلب حکومتی است. مواضع مطرح شده که در حقیقت پلاتفرم این جریان برای انتخابات ۸۰ است عمق درماندگی و ورشکستگی سیاسی آنان را روشن می‌سازد:

در حالی که تنها ظرف دو هفته اخیر ده‌ها نفر از اصلاح‌طلبان و منتقدان رژیم توسط قوه قضائیه دستگیر و راهی زندان شده‌اند و تمامیت‌خواهان و در راس آنان خامنه‌ای به بهانه‌های مختلف بر عزم قاطع خویش در ادامه روند سرکوب تاکید کرده‌اند، محمدرضاخاتمی، می‌گوید: «یکی از امتیازات این دوره، پذیرش اصل مردم‌سالاری توسط ارکان اصلی نظام است». در حالی که طشت رسوایی قوه قضائیه با محاکمات رسوا و غیرقانونی‌اش و مضحکه‌ای که خاصه در تلاش برای «جمع» کردن پرونده قتل‌های زنجیره‌ای براه انداخت، از بام‌ها افتاده است، محمدرضاخاتمی قوه قضائیه را مورد ستایش قرار می‌دهد و می‌گوید: «این اواخر، علنی بودن محاکمات گام مثبتی بوده است». او در مورد مطبوعات، در همان حال که «توقیف‌های غیرقانونی اربلیه و تاخیر در روند محاکمات اخیر را» نادیده می‌گیرد، درست مانند علی‌زاده رئیس دادگستری تهران به جای قوه قضائیه، مجلس را متهم می‌کند و در مورد توقیف‌ها می‌گوید: «به هر حال شکل قانونی رعایت می‌شود و اشکال اصلی در این‌جا قوه قضائیه نیست، بلکه قانونی است که به هر حال از مجلس گذشته است».

و بعد برای این که آب پاکی را روی دست همه «امیدواران بریزد که مبادا پیش خود تصور کنند که در زمینه "قانون" قرار است کاری توسط مجلس انجام شود، بلافاصله تاکید می‌کند: «در حال حاضر شرایط تغییر (قانون) در روند آرام و مسالمت‌آمیز وجود ندارد». محمدرضاخاتمی از این‌هم فراتر می‌رود و اصل وابستگی قوه قضائیه به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر دستگاه ماوراءقانونی ولایت و مظهر اسلامیت و سرکوب‌گری نظام را انکار می‌کند و برای بیرون

دنباله از صفحه ۱ انتخابات ریاست جمهوری....

تامیاد در بحبوحه بحران، مردم فیل شان یاد هندوستان کرده و بفکر نافرمانی مدنی بیفتند.

مجلس خبرگان، بررسی وضعیت مخاطره آمیز کنونی را مضمون اصلی نشست خود قرار می دهد، و درحالی که رفسجانی از اهمیت این نشست سخن می گوید، حاضر به افشاء تصمیمات مهم آن نمی شود. اما مشکینی رئیس مجلس خبرگان در نمازجمعه قم ضمن دعوت قوه قضائیه به قاطعیت بیشتر، اظهار می دهد که «حوزه علمیه قم بدون شک برای برخورد با هرگونه تلاشی علیه ارزشها، حتی به قیمت گذشتن از خون خود آماده است. کاری را که در شکل گیری انقلاب اسلامی انجام داد». تعمیق بحران و نحوه باز توزیع دلارهای نفتی دامنه جنگ سیاسی را به عرصه اقتصادی نیز کشانده و وجود میلیاردها دلار مزاد ارزی، اشتباهی تمامیت طلبان را برای تصاحب آن ها، بشدت تحریک کرده است.

قرائن و شواهد موجود حکایت از آن دارد که جناح حاکم مقطع انتخابات را اسم شبی برای تهاجم نهائی جهت پایان بخشیدن به دوران اصلاحات چهارساله می داند. در واقع آن چه که در ورای روی دادهای موجود می گذرد نبرد برای تحقق استراتژی خلافت اسلامی است. حالا دیگر مصباح یزدی و هم سنگران پنهان نمی کنند که بزعم آنان استفاده از عنوان جمهوری اسلامی در اوائل انقلاب نه از سر اعتقاد به جمهوریت بلکه تاکتیکی در مقابل سلطنت بوده است. شاید بزرگی چون خزعلی - که چهارسال پیش پیام رسان حمایت جهان غیب از کاندیداتوری ناطق نوری بود، اکنون یکبار دیگر از طریق رابطی مدعی داشتن رابطه با امام زمان شده است. همان رابطی که بقول خزعلی به خیمینی مدفوق نیز فرمان می رانده است. باید ماند و دید که فرمان جدید امام زمان که از زبان خزعلی جاری خواهد شد، چه خواهد بود!

تهاجم برای فلج کردن نقش اجرائی دولت در انتخابات، نه فقط در سطوح بالا با محاکمه تاج زاده، هدف قرار گرفته است، بلکه با تدارک یک یورش گسترده، فلج ساختن و از دور خارج کردن دفتر تحکیم وحدت به عنوان بازوی جنبشی اصلاح طلبان در دستور کار قرار داده است. شواهد متعددی حاکی از آن است که جناح حاکم نقشه های منسجمی برای بهم زدن قاعده بازی انتخابات تدارک دیده است که در قیاس با آن، ابطال هفت صد هزار رأی مجلس ششم در تهران را باید تنها تمرین اولیه به حساب آورد. برای فلج کردن کامل توان بازمانده تبلیغی حریف، تهاجم به مجالس سخنرانی ها - هم چون حملات اخیر به سخنرانی محمدرضا خاتمی و هادی خامنه ای - مجدداً با شدت به جریان افتاده است. «عصر ما» در آستانه تعطیل قرار گرفته است. ریتم تند حوادث به جریان به اصطلاح نواندیش راست نیز رحم نکرده و نام کسانی چون طاهاهاشمی را نیز در لیست «منافقان جدید» جای داده است و تشکیلی بنام «شهادت طلب» وابسته به مصباح یزدی، خط و نشان کشیدن به آن ها را شروع کرده است.

آری، تحقق استراتژی حکومت اسلامی که به معنای خلافت مطلقه ولی فقیه است، در دستور کار جناح حاکم قرار گرفته است و هدف عمده جناح حاکم - به ویژه افراطی ترین بخش این جناح را - تشکیل می دهد. و معنای عملی و آشکار آن رد قانون اساسی جمهوری اسلامی است و این درحالی است که خاتمی و اصلاح طلبان

هم چنان دم از قانون اساسی می زنند و خاتمی اظهار نگرانی کرده و به حریف هشدار می دهد که مبادا بهم زدن این قانون موجب آن شود که توده ها با نا امید شدن از سیستم به روی کرد دیگری روی بیاورند.

اگر تدارک تهاجم بزرگ جناح حاکم با هدف تحقق استراتژی حکومت اسلامی در پی یک دوره حرکات خزنده، اولین فاکتور مشخصه سیاسی را ترسیم می کند، پژواک سرناسری شکست اصلاحات در نظام جمهوری اسلامی، دومین مشخصه اساسی وضعیت کنونی را تشکیل می دهد. شکستی که اصلاح طلبان را در وضعیت استیصال کامل - از نقطه نظر استراتژی و تاکتیک - قرار داده است. و این البته در شرایطی است که شکاف حکومت در بالا به بیشترین حد خود رسیده است. و این شکاف البته بیش از آن که محصول مقاومت اصلاح طلبان باشد، محصول کنار گذاشتن قانون اساسی از سوی جناح حاکم، روی کرد به تحقق استراتژی حکومت اسلامی و سیاست تهاجمی آنست.

اگر با استیصال و بن بست اصلاح طلبان و نیروهای میانی، وضعیت سیاسی به سوی دو قطبی شدن هر چه بیشتر آرایش صفوف می رود، تحقق استراتژی حاکمیت مردم، به عنوان آنتی تزی استراتژی خلافت اسلامی، بیش از پیش به عنوان یک شعار عملی و سومین مشخصه اصلی وضعیت و به مثابه یک امکان عینی زمینه پیدا می کند. البته می دانیم که به وجود آمدن هر امکانی، خود بخود به معنای تحقق آن امکان نیست. تاریخ و حرکت بفرنج اجتماعی با جهت گیری های مقدر و از پیش تعیین شده ساخته نمی شود. هر امکانی برای متحقق شدن به نیروی اجتماعی و اراده ای آگاهانه و به شور و شوق میلیون ها انسان نیازمند است که بخوبی در راستای اهداف راهبردی سازمان یافته باشند. بهره گیری از شعارهای تاکتیکی - تاکتیک معطوف به توده ها - برای متبلور کردن چنین نیرویی از اهمیت بی همتائی برخوردار است. طرح رفراندوم برای تعیین نوع حکومت و در برابر منازعات جناحی - و تبدیل آن به مبارزه علیه کل رژیم - شعار بسیج کننده ای در این راستاست. رفراندوم در معنای فوق ادامه و نتیجه منطقی به بن رسیدن راه پیمانی مسالمت آمیز قانونی چهارساله ای است که می تواند به عنوان یک شعار آکسیونی و بسیج کننده برای آرایش توده ای دادن به صفوف مدافعین سرنگونی و به مثابه استارتی برای روشن کردن موتور انقلاب - نشانه رفتن کل نظام از طریق مبارزات مستقیم توده ای - و عبور موفقیت آمیز از مرحله انتقال کنونی عمل کند.

برای یافتن نقش مداخله گر و تأثیر گذار بر روند فوق و داشتن حضور مؤثر در پیکارهای سرنوشت ساز سیاسی در جهت تبدیل امکان فوق به واقعیت سیاسی نیرومند و تعیین کننده، نیروهای رادیکال و مدافع حق حاکمیت مردم، هیچ راهی جز گرد آوردن صفوف خویش حول اهداف مرحله کنونی ندارند. این درست است که جناح حاکم ایجاد اراده فشرده و یک دست برای سرکوب جنبش توده ای را از طریق حذف و تصفیه نیروهای رقیب و بینایی، به عمل می آورد و این اثرات ژرفی برشکندگی ش خواهد داشت، اما بدون حضور مستقل و متشکل مردم معلوم نیست که نتیجه نهائی نبرد به سود دمکراسی رادیکال باشد. برعکس تجربه انقلاب بهمن نشان داده است که عدم آمادگی ذهنی و عینی در شرایط سرنوشت ساز تاوان سنگینی را در پی خواهد داشت.

دنباله از صفحه ۱ پلانقوم اصلاح طلبان ....

بعد برای کاستن از ابعاد ذلت و حقارتی که در این تسلیم طلبی نهفته است و تاثیراتی که ممکن است در جامعه به بار آورد، اظهار امیدواری می کند که «در عرض این سه سال تحولات اجتماعی و افکار عمومی، این عزیزان را به هم راهی بیش از پیش با شرع و قانون و مردم سوق دهد».

هیچ کس فراموش نکرده است که برچیدن نهادهای غارت گر مافیایی که به واسطه وابستگی به رهبر بر اقتصاد کشور چنگ انداخته اند و پایان دادن به نقش مخرب این نهادها و در راس آن ها بنیاد مستضعفان از جمله خواست های مهم مردم در دوم خرداد بوده است. این خواست یکی از ۱۳ خواستی بود که در جریان شورش ۱۸ تیر نیز مطرح شد. حتی خاتمی در «طرح ساماندهی اقتصادی خود» نیز «برچیدن انحصارت سیاه» را مورد تاکید قرار داد. محمدرضاخاتمی اما بدون کوچکترین اشاره ای به نقش مخرب بنیادهای مافیایی در نابودی اقتصاد کشور، به ستایش از آن ها پرداخت و از «تحولات بسیار خوب» در «بنیاد مستضعفان» یاد کرد «که نشان می دهد چگونه می توان نهادی فراجناحی را از منازعات جناحی بالا کشید». وی از خودسانسوری و سانسور مطبوعات دوم خردادی به این بهانه که «همین راه خاکی و سنگلاخ نیز مسدود نشود» حمایت می کند، صدا و سیمای جمهوری اسلامی را «دارای نقش مهمی در هماهنگی و ایجاد انسجام در جناح» رقیب می داند، اما زیرکانه مواظب است که کوچکترین تغییر و تحولی را در این دستگاه سرکوب ایدئولوژیک وعده ندهد.

در حالی که تغییرات اخیر در کابینه خاتمی وزنه را در دولت به نفع طرفداران خصوصی سازی ها تغییر داده و جناح دیگر اصلاح طلبان را که نظارت و کنترل دولتی بر اقتصاد را در شرایط لجام گسیختگی بازار و گستردگی قاچاق و سلطه انحصارات ماوراءقانونی مورد تاکید قرار می دهد، تضعیف کرده است، محمدرضاخاتمی این تغییرات را «نشانه ی مثبت و عزم و اراده ی دولت برای ایفای نقش مقتدرانه ی خود در امور زیربنایی و اقتصادی» تعبیر می کند. وی از «دخالت نهادهای غیرمستول» در سیاست خارجی رژیم انتقاد می کند، اما البته کوچکترین طرح یا وعده ای برای جلوگیری از این «دخالت» ها نمی دهد، در باره مجلس که ۸ ماه پس از تشکیل به یک زائده بی خاصیت در نظام فقهاتی تبدیل شده است، وی محافظه کاران را ستایش می کند و می گوید: «اکثر نیروهای اقلیت مجلس هم بیش از انتظار، قواعد دموکراسی را رعایت می کنند»، در «حوزه های مدنی و جامعه» همه

بقیه در صفحه ۳

## دنباله از صفحه ۲ پلاتفرم اصلاح طلبان

آن چه دبیر جبهه مشارکت قابل تاکید و تکیه می‌داند "تاسف" از "کاهش انسجام و قدرت" جناح رقیب است که گویا سبب شده است مشارکتی‌ها "عملاً از داشتن رقیبی واقعی محروم" شوند.

سرانجام وی با تاکید بر این که "تمام تلاش جبهه مشارکت بر این بوده است که اقتدار کشور و نظام حفظ شود" غیرمستقیم از خامنه‌ای می‌خواهد که نقش خمینی را بازی کند و به جای این که "عامل دوپینگ یک جناح" باشد، "داور و میانجی رقابت‌کنندگان" باشد. محمدرضاخاتمی می‌گوید: «ما معتقدیم که ارکان نظام را باید به دو قسمت کرد: یکی بخش قابل رقابت است که همه ایرانیان ملتزم به قانون اساسی بتوانند در این رقابت وارد شوند، دوم بخش فراجناحی که باید داور و میانجی رقابت‌کنندگان باشند». دست آخر هم برای این که دیگر کوچکترین شک و تردیدی برای هیچ کس باقی نماند که اصلاح طلبان حکومتی اصلاً از جنسی نیستند که بخواهند کوچکترین مقاومتی در برابر تعرضات دستگاه ولایت انجام دهند، محمدرضاخاتمی در برابر پرسشی مبنی بر "چگونگی مقابله جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی با تشدید فشارها" می‌گوید: «برنامه‌ای که جناح مقابل دارد، به خودی خود، خنثی‌کننده‌ی برنامه‌هایش می‌باشد».

خلاصه کنیم: جبهه مشارکت که بزرگترین گروه متشکل در میان اصلاح طلبان حکومتی است در انتخابات ۸۰، نه می‌خواهد با سانسور مطبوعات دربیفتد، نه قوانینی در مجلس برای محدود کردن دستگاه ولایت تنظیم کند، نه باندهای مافیایی را در قوه قضاییه زیر ضرب قرار دهد، نه نظارت استصوابی را ملغی کند، نه قدرت بنیادهای غارت‌گر را به چالش بگیرد، نه در برابر فشارهای جناح رقیب کوچک‌ترین اقدام بازدارنده‌ای سازمان دهد، بلکه همه آن‌چه که می‌خواهد این است که ولی فقیه فقط از یک جناح حمایت نکند، بلکه دست حمایت خود را بر سر این جناح هم بکشد و داور دعواهای جناحی باشد، نه آتش‌بیار معرکه. فقر کامل استراتژی، دورنما، شعارهای روشن و برنامه عمل، ترجیح برخورد واکنشی و از این ستون به آن ستون در مشی سیاسی و در همه حال، حفظ آرامش فعال و حفظ اقتدار نظام! این‌هاست عناصر اصلی "پلاتفرم" اصلاح طلبان حکومتی در انتخابات ۸۰.

جالب این جاست که با یک چنین "پلاتفرم"ی، اصلاح طلبان حکومتی می‌خواهند انتخابات ۸۰ را "به فراندوم اصلاحات" تبدیل کنند. به عبارت دیگر آن قدر وقیح‌اند که روز روشن به مردم می‌گویند، هیچ کدام از خواست‌های شما، خواست‌های ما نیست و کوچک‌ترین مطالبه شما را هم برآورده نخواهیم ساخت، سپر پیشروی شما علیه ولایت فقیه هم نیستیم و چنین امیدی هم نداشته باشید، ولی بیایید نردبان ما باشید تا ما از قدرت بالا برویم.

جریان اصلاح طلب خود مولود یک جنبش عظیم ترقی خواهانه برای تغییر نظم اجتماعی در جامعه ما بود و نه زاینده آن. مقطع مجلس ششم و پایان تصرف نهادهای انتخابی توسط این جریان، نقطه شروع زوال آن بود. در دوران برزخی ۸ ماه اخیر بن بست اصلاح طلبی به تدریج صراحت یافت و هر چه این بن بست روشن تر شد، حرکت قهقرازی اصلاح طلبان حکومتی نیز تشدید گردید. اصلاح طلبان که از درون حکومت برخاسته و نجات حکومت از چنگ مردم هدف اصلی‌شان بود، از همان آغاز جز فروپاشی فرجام دیگری در انتظارشان نبود. "پلاتفرم" اصلاح طلبان حکومتی در انتخابات ۸۰ نماد انحطاط کامل این جریان است. ناگفته پیداست که جنبش اجتماعی که کمترین خواست‌اش تغییر کلیت نظام استبدادی حاکم است، تنها با کنار زدن پرده حائلی که جریان اصلاح طلب حکومتی در مرحله انحطاط خویش در مسیر پیشروی این جنبش گذاشته است، می‌تواند راه خود را به جلو بگشاید.

## اخبار مبارزات کارگران و زحمت‌کشان

اعتصاب کارگران پارس الکترونیک رشت

صدها تن از کارگران و کارکنان کارخانه پارس الکترونیک رشت چندین روز دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کارگران کارخانه پارس الکترونیک در روز یکشنبه ۱۶ بهمن ۷۹ هنگامی آغاز شد که به خواست کارگران در مورد پرداخت حقوق و مزایای معوقه توجهی نشد. کارگران دو ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند. در همین رابطه چند روز پیش کارگران تخته‌سلاخی ساری که ۱۴ ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند برای چندمین بار در مقابل استانداری مازندران تجمع نمودند که باز هم معاون استانداری به آن‌ها وعده رسیدگی داد.

\*\*\*\*\*

تجمع اعتراضی کارگران شرکت بهپوش

بیش از ۵۰ نفر از کارگران شرکت بهپوش با تجمع در مقابل بانک صنعت و معدن در تهران، به پرداخت نشدن ۱۸ ماهه حقوق و عیدی و پاداش سال ۷۸ اعتراض نمودند. فریبا مؤمن یکی از کارگران معترض به خبرنگار روزنامه «کاروکارگر» گفت: «در حالی که ۱۸ ماه حقوق و عیدی و پاداش نگرفته‌ایم، مسئولان ما را به زور وادار به بازخرید شدن می‌کنند». تعدادی از تجمع‌کنندگان با صدای بلند فریاد می‌زدند، کارگران فرش زیر پا و جهاز دختران خود را فروخته‌اند تا خرجی خانواده خود را تأمین کنند. کارگران یک‌صدا خواستار رسیدگی مسئولان نسبت به مشکلات خود بودند.

\*\*\*\*\*

کارگران گروه قطعات فولادی ایران تهدید به تحصن نمودند

اخیراً اداره دارایی به خاطر مطالبات خود از گروه قطعات فولادی ایران، تمام دستگاه‌های این شرکت را ضبط کرده و اداره برق نیز، برق این واحد را که ۲۲۰ کارگر دارد، قطع کرده و این شرکت عملاً تعطیل شده است. کارگران این شرکت که ۲ ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند، تهدید نمودند چنان چه مشکلات این واحد برطرف نشود، اقدام به برپایی تحصن در تهران خواهند کرد.

\*\*\*\*\*

کارگران فرش ساوین مازندران: ۱۴ ماه حقوق نگرفته‌ایم!

نمایندگان کارگران فرش ساوین با حضور در دفتر روزنامه «کار و کارگر»، نسبت به پرداخت نشدن ۱۴ ماه دست‌مزدشان اعتراض نمودند. به گفته‌ی این نمایندگان: «برای حل اختلاف در اداره کار رأی صادر شده است ولی وزارت کار از صدور اجرائیه برای رأی هیات حل اختلاف ممانعت کرده است. هم چنین، سازمان تأمین اجتماعی نیز از تمدید اعتبار دفترچه‌های درمانی کارگران رسمی این شرکت امتناع می‌کند». آنان افزودند: «از مسئولان می‌پرسیم بدون دریافت حقوق چگونه می‌توان مایحتاج بدیهی زندگی را تأمین کرد. آیا آن‌ها می‌دانند معنی ۱۴ ماه زندگی بدون حقوق یعنی چه؟». از میان ۳۲۰ کارگر رسمی شرکت فرش ساوین، ۳۶۰ نفر بازخرید شده‌اند و مابقی نیز در حال حاضر از مزایای کارگران رسمی برخوردار نیستند.

\*\*\*\*\*

کارگران معترض با روپوش‌های سرخ

روزنامه «همبستگی» در شماره یکشنبه ۲۳ بهمن ۷۹ خود خبر داد که «مراسم دهه فجر، صحنه اعتراض کارگران شد». به نوشته این روزنامه «کارگران استان تهران در مراسم ویژه‌ای که به مناسبت دهه فجر برگزار شده بود، به مشکلات صنفی خود اعتراض کردند». براساس این خبر، در مراسم مزبور که در ورزشگاه شماره ۲ کارگران واقع در جاده قدیم کرج برگزار شده بود، عده‌ای کارگر با پوشیدن روپوش‌های سرخی که بر روی آن‌ها نوشته شده بود "بازنشستگی پیش از موعد کارگران" از مسوولان خواستند تا با تکریم بیشتری با کارگران برخورد کنند. در این مراسم که کربوبی رئیس مجلس نیز سخنرانی کرد، بارها مورد اعتراض کارگران قرار گرفت. این گزارش حاکی است، (رئیس مجلس از یکی از معترضین خواست تا با قرار گرفتن پشت تریبون مشکل خود را عنوان کند و سپس قول داد مشکلات کارگران را با مقام رهبری در میان بگذارد».

\*\*\*\*\*

اعتراض حاشیه‌نشینان بدل‌آباد به نبود آب شرب مصرفی

گروهی از حاشیه‌نشینان روستای بدل‌آباد صبح روز دوشنبه ۱۷ بهمن ۷۹ در برابر فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. حاشیه‌نشینان علت تجمع خود را "نبود آب شرب مصرفی" در این منطقه عنوان کرده و خواستار رسیدگی به وضعیت آب منطقه از طریق فرمانداری بودند. تجمع‌کنندگان گفتند که در اثر اعتراضات گذشته بودجه‌ای از طرف سازمان برنامه و بودجه تأمین شد، اما هیچ اقدام عملی برای اختصاص بودجه مزبور صورت نگرفت. کریم زاده فرماندار خوی ضمن تأیید اختصاص بودجه‌ای ۶۰ میلیون ریالی برای این منظور، ضمن اعتراف به ناچیز بودن این بودجه در مورد عدم اختصاص آن گفت: منتظر عقد قرارداد فی‌مابین سازمان برنامه و بودجه و شرکت آب هستیم.

## اخبار مبارزات کارگران و زحمت‌کشان

کارگران اتوبوس‌رانی ارومیه: از همه‌ی مزایا محروم شده‌ایم!  
کارگران سازمان اتوبوس‌رانی ارومیه با ارسال طوماری به دفتر روزنامه «کاروکارگر» در ارومیه، از مشکلات خود سخن به میان آورده و خواستار حل این مشکلات شده‌اند. در این طومار که به امضای ۲۲۵ نفر از کارگران رسیده، آمده است: «تاکنون به خواسته‌های قانونی کارگران رسیدگی نشده و مسئولان سازمان اتوبوس‌رانی ارومیه باید پاسخ‌گویی عواقب نامطلوب این کم‌توجهی‌ها باشند. در ادامه‌ی طومار اعتراضی کارگران آمده است: «لیست اضافه‌کاری کارگران از سال ۷۰ به سازمان تأمین اجتماعی ارسال نشده؛ بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل از سال ۷۴ به بعد مسکوت مانده؛ اضافه‌کاری ایام تعطیلی ماه‌های اردیبهشت، خرداد، تیر، آبان و آذر کارگران پرداخت نگردیده؛ وجوه مربوط به بن کارگری سال ۷۸ پرداخت نشده؛ ۵۳ کارگر از دریافت بن کارگری محروم شده‌اند؛ لباس کار ۶ ماه اول و دوم سال جاری توزیع نشده و لیست حقوق کارگران از شهریور ماه سال جاری به سازمان تأمین اجتماعی ارسال نگردیده است.»

\*\*\*\*\*

### پزشکان و کارکنان بیمارستان طالقانی دست به تحصن زدند

پزشکان و کارکنان بیمارستان طالقانی تهران از روز سه‌شنبه ۱۸ بهمن ۷۹ در اعتراض به مشکلات صنفی و آموزشی دست به تحصن زدند و کادر درمانی این بیمارستان از ارائه خدمات به بیماران غیر اورژانس خودداری می‌کند. دستیاران تخصصی و کارورزان شاغل در این بیمارستان در آغاز تحصن خود به طرح مسائل و مشکلات صنفی خود پرداختند. در این جلسه که با حضور معاون دانشجویی و فرهنگی، معاون آموزشی تحصیلات تکمیلی، قائم‌مقام رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و مسئولان بیمارستان برگزار شد، پزشکان این بیمارستان دانشگاهی، با اشاره به عدم برنامه‌ریزی آموزشی و تعداد فراوان دانشجویان در بخش بیمارستانی، نسبت به اهانت به کارآموزان و کارورزان از سوی پرسنل بیمارستان اعتراض کردند. تحصن‌کنندگان هم چنین به عدم توجه مسئولان برای پایان دادن به وضع ایجاد شده و بی‌نتیجه ماندن مذاکرات قبلی تأکید کردند که: «مذاکرات و اقدامات انجام شده در باره حضور نیافتن پزشک متخصص بر بالین بیماران این بیمارستان، وضعیت نامناسب پاپیون‌ها برای اقامت شبانه پزشکان، حقوق ناکافی زبده‌ها و انترن‌ها بی‌نتیجه مانده است». در پایان این نشست مقرر شد که شورای نمایندگان پزشکان معتبر، با تشکیل جلسه‌ای با مسئولان دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی، به طرح دیدگاه‌ای خود پرداخته و تا مشخص شدن نتیجه جلسات، این تحصن هم چنان ادامه یابد.

\*\*\*\*\*

### اعتراضات خیابانی در سنجند

نیروهای انتظامی رژیم اسلامی روز پنجشنبه ۱۳ بهمن ۷۹ بار دیگر زحمت‌کشان سنجند را مورد هجوم قرار دادند. این هجوم باعث تا مردم بجان آمده، بویژه جوانان روز پنجشنبه به اعتراض خیابانی دست زده و به عمل وحشیانه نیروهای سرکوب حکومتی واکنش نشان دهند. براساس این خبر، اعتراض بحق مردم نسبت به مصادره اموال و وسایل دست فروشان که امور زندگی آنان و خانواده‌های‌شان را تأمین می‌کرده است، به درگیری و زدوخورد با نیروهای سرکوب انجامید تا جایی که ساعت‌ها رفت‌وآمد در خیابان‌های سیروس و انقلاب را مختل نمود. چماق‌داران حکومتی ضمن ضرب و شتم مردم معترض و به جان آمده، تعداد زیادی از جوانان خشمگین را دستگیر و با خود بردند.

## گزارش برگزاری تظاهرات ایرانیان در استکهلم

پس از اعلام خبر ورود یک هیئت نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران به استکهلم، و برگزاری جلساتی مابین مقامات وزارت امور خارجه سوئد و این هیئت، جهت گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی میان جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا، به دعوت تنی چند از فعالین سیاسی - اجتماعی ایرانی و در اعتراض به این مذاکرات، جمعی از ایرانیان آزادی‌خواه، در روز سه‌شنبه ۱۳ فوریه ۲۰۰۱ برابر با ۲۵ بهمن ۷۹، در ساعت یازده‌ونیم، در مقابل وزارت امور خارجه سوئد اجتماع کردند و با سردادن شعارهای "آزادی مطبوعات همیشه، همیشه"، زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، ترور شکنجه، اعدام، موقوف باید گردد"، رژیم تروریستی جمهوری اسلامی را محکوم کنید"، "سرنگون باد جمهوری اسلامی"، نفرت و انزجار خویش را از ندامت و تشدید سرکوب و خفقان در ایران به اطلاع افکار عمومی سوئد رسانند.

در ابراز همبستگی با مردم ایران و تظاهرکنندگان، خانم "آیتا دوراسی"، از چهره‌های سرشناس مدافع پناهندگان در سوئد، و "لارش اولی" از رهبران حزب چپ سوئد، ضمن محکوم کردن جنایات جمهوری اسلامی، از خواست‌های این تظاهرات حمایت کردند.

خواست‌های تظاهرکنندگان عبارت بودند از:

۱- محکوم نمودن سرکوب حقوق بشر و اعلام ایران به عنوان کشوری ناامن.

۲- آزادی فوری و بدون قید و شرط جوانان و دانش‌جویان دستگیرشده در حوادث اخیر ایران و آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران.

۳- پذیرش و به رسمیت شناخته شدن حقوق بشر و رعایت آن در ایران، به عنوان پیش‌شرط روابط اقتصادی و سیاسی با ایران از طرف اتحادیه اروپا.

خبر برگزاری این تظاهرات، توسط رادیو دولتی سوئد (پژواک) و برنامه فارسی رادیو اسرائیل، در سوئد و سراسر جهان منعکس شد.

شرایط خفقان‌بار حاکم در ایران و خواست‌های تظاهرات، طی تماسی با وزارت امور خارجه سوئد، در نامه‌ای به "آتالیند" وزیر امور خارجه سوئد اطلاع داده شد و وزارت امور خارجه سوئد قول داد که موارد مورد اشاره در نامه مذکور را مورد توجه قرار دهد.

استکهلم، ۱۳ فوریه ۲۰۰۱ - احمد نوین

### کمک مالی رسیده

ن. لوند: ۴۳۰۰ کرون

## حرکت اعتراضی ایرانیان در گوتنبرگ

به دعوت کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران - گوتنبرگ (سوئد) بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۲۰۰۱/۲/۱۳ حرکت اعتراضی ایرانیان در مرکز شهر گوتنبرگ برگزار شد.

در این گردهم‌آیی بیش از صد تن از ایرانیان آزادی‌خواه، نمایندگان گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی، نهادهای فرهنگی و اجتماعی، فعالین مستقل چپ، هم‌راه پناه‌جویان ایرانی با سر دادن شعارهای کوبنده، رژیم جمهوری اسلامی و اعمال ضدانسانی سران نظام را محکوم کردند.

در این تظاهرات، پیام سازمان جوانان حزب چپ سوئد توسط یکی از فعالین آن از بلندگو قرائت شد. این حزب ضمن پشتیبانی از مبارزات مردم ایران، مداخلات طلبی دولت سوئد و تلاش این دولت در تحکیم مناسبات اقتصادی با دولت ایران را محکوم کرد و از قطعنامه پیشنهادی کمیته همبستگی و اجتماع اعتراضی ایرانیان، پشتیبانی نمود.

تظاهرکنندگان در طول بیش از یک ساعت با شعارهای خود نظر ره‌گذران سوئدی و خارجی را به حرکت اعتراضی خود جلب کردند. فعالین کمیته در طول مدت تظاهرات صدها برگ اطلاعیه کمیته همبستگی را در مسیرهای پر رفت‌وآمد "برونس پارکن" بین عابریان توزیع کردند.

متن اطلاعیه به زبان سوئدی نیز بارها از بلندگو قرائت شد. اجتماع‌کنندگان ضمن حمایت از پناهندگان ایرانی و محکومیت اخراج آن‌ها به ایران ناامن از خواست پناهندگی ایرانیان پشتیبانی نمودند. حاضرین هم چنین ضمن محکوم کردن تهاجمات افسارگریخته ماموران اطلاعاتی، لباس شخصی‌ها، حزب‌اله و نیروهای ضدشورش به مردم ایران در شهرهای تهران، سنندج و نقاط دیگر، خواستار آزادی تمامی دستگیرشدگان حوادث اخیر شدند.

آزادی بی‌قیدوشرط کلیه زندانیان سیاسی، قطع اعدام‌ها و ترورها، از جمله شعارهای این حرکت اعتراضی بود و تظاهرکنندگان ضمن محکوم کردن نقض حقوق بشر در ایران، خواستار آزادی عقیده و بیان، لغو سانسور و تفتیش عقاید در ایران شدند.

اعزام یک هیئت بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات رژیم اسلامی در زندان‌ها، پرونده‌ی قتل‌های زنجیره‌ای و محاکمات فرمایشی از دیگر خواست‌های اجتماع‌کنندگان بود.

حاضرین با اعلام همبستگی با مبارزات مردم ایران، اعتراضات زنان، جوانان، دانشجویان و کارگران مبارز، و خواست‌ها و مطالبات آنان، در شعارهای سوئدی خود یک‌صدا فرپاشی نظام جمهوری اسلامی را خواستار شدند.

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران - گوتنبرگ (سوئد)